

به نام خدا



نظام انتخاباتی و احزاب حکومتی در ایران

فهرست مطالب

۱.....	چکیده
۲.....	مقدمه
۵.....	نظام انتخاباتی در جمهوری اسلامی ایران
۱۲.....	احزاب حکومتی در ایران
۱۷.....	سازوکارهای لازم برای ظهور و تداوم احزاب کارآمد
۲۳.....	نتیجه‌گیری
۲۴.....	پی‌نوشت‌ها

کد موضوعی: ۲۶۰

شماره مسلسل: ۹۴۲۳

دی ماه ۱۳۸۷

دفتر: مطالعات سیاسی

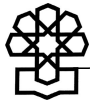


نظام انتخاباتی و احزاب حکومتی در ایران

چکیده

احزاب سیاسی در دنیای معاصر با کارویژه‌های مهمی چون تعیین نامزدهای انتخاباتی، تشویق رأی‌دهندگان به شرکت در انتخابات، تهیه برنامه‌ها و سیاست‌های خاص، تربیت هیئت سیاسی حرفه‌ای و تضمین مسئولیت‌پذیری نمایندگان نسبت به رأی‌دهندگان نقش مهمی در کارایی مدیریتی کشور و حفظ کلیت نظام دارند. از این‌رو با توجه به اهمیت این نهاد در کارآمدی نظام سیاسی، سؤالی که این تحقیق سعی در پاسخ به آن است چرایی عدم شکل‌گیری احزاب باثبات و بادوام در ایران است. براساس این تحقیق هرچند عوامل تاریخی - ساختاری شرایط و زمینه‌های نامساعدی برای تکوین احزاب در ایران را فراهم کرده‌اند اما توجه و تأکید زیاد بر این عوامل تاریخی - ساختاری نمی‌تواند ما را در فهم واقعی علل عدم ظهور احزاب پایدار و دائمی کمک کند. درواقع توجه و تأکید زیاد بر این عوامل که علل دور در پیدایش و تکوین احزاب هستند، موجب غفلت از عوامل فنی شده است که علل نزدیک در ظهور احزاب شخصیت‌محور، موقتی و ناپایدارند. این تحقیق تأثیر شیوه‌های مختلف انتخاب مسئولان عالی‌رتبه به‌عنوان عوامل فنی در ظهور یا عدم ظهور احزاب پایدار و دائمی را بررسی می‌کند.

براساس این تحقیق احزاب در نظام سیاسی وقتی شکل می‌گیرند که نقشی برای



آنها در تشکیل دولت فراهم شود. این زمانی امکان دارد که رقابت گروهی و فعالیت دسته جمعی، لازمه کسب قدرت و تشکیل دولت باشد و این شرط در شیوه انتخاب مستقیم مسئولان عالی‌رتبه اجرایی توسط مردم امکان تحقق ندارد. از این‌رو این تحقیق سعی می‌کند با ارائه سازوکارهایی زمینه و شرایط مساعدتری برای ظهور احزاب پایدار در ایران فراهم کند.

مقدمه

احزاب سیاسی در دنیای معاصر چرخ‌دنده‌های ماشین مردم‌سالاری هستند. حرکت این ماشین بدون این چرخ‌دنده‌ها امکان ندارد؛ همان‌طور که چرخ‌دنده‌ها وظیفه انتقال انرژی از موتور به چرخ‌دنده‌ها و تبدیل قدرت مکانیکی به قدرت حرکتی را برعهده دارند، احزاب نیز منافعی را که به‌صورت درون‌داد وارد نظام می‌شود، برای اثربخش بودن در قالب سیاست‌هایی تألیف می‌کنند؛ به‌عبارتی موضوعات مورد مبارزه را از شکل فردی و گاه سطحی، خارج کرده و بدان رنگ و بوی فلسفی، اجتماعی و فرهنگی می‌دهند و به‌صورت مسائلی سازمان‌یافته‌تر و پیش‌اندیشیده‌تر به عرصه سیاست عرضه می‌کنند. از این‌رو احزاب رابط بین مردم و حکومت یا به تعبیر سیستمی آنها «ابزار خوراک‌دهنده» هستند.

از نگاه سیستمی فلسفه وجود احزاب آن است که نظام سیاسی باید کارهای زیادی انجام دهد و برای انجام مستمر این فعالیت‌ها، نهادها یا ساختارهای خاصی از جمله احزاب را به‌وجود می‌آورد.^(۱) در واقع این ساختارها و نهادهای سیاسی

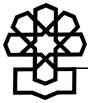


نتیجه مستقیم پیچیده شدن امور، تخصصی شدن مشاغل و ضرورت انسجام نیروهاست.^(۲) به‌ویژه زمانی که جوامع سنتی که دارای ساختاری گسیخته با کمترین حد تخصص‌گرایی است، قدم در راه مدرن شدن می‌گذارند برای تنظیم تقاضای روبه‌رشد، ساختارها و نهادهای تخصصی همچون احزاب را ایجاد می‌کند.^(۳)

کارویژه‌هایی چون تعیین نامزدهای انتخاباتی، تشویق رأی‌دهندگان به شرکت در انتخابات، تهیه برنامه‌ها و سیاست‌های خاص و تربیت هیئت سیاسی حرفه‌ای و تضمین مسئولیت‌پذیری نمایندگان نسبت به رأی‌دهندگان، ظهور ساختارها و نهادهای سیاسی به نام احزاب سیاسی را در دنیای مدرن ضروری ساخته است.^(۴) در تبیینی عمیق‌تر وجود رقابت‌های حزبی، موجب کارایی مدیریت، اعتلای آگاهی سیاسی مردم در نتیجه حفظ کلیت نظام می‌شود، پس حرکت ماشین مردم‌سالاری بدون وجود احزاب غیرممکن است.

سؤال اساسی که برای بسیاری از پژوهشگران مطرح است، آن است که چرا با وجود آنکه دیرزمانی است که جامعه ایران پا را از دنیای سنت‌ها بیرون گذاشته و قدم در مسیر مدرن شدن نهاده، ساختارها و نهادهایی با دوام و با ثباتی که بخواهند کارویژه مرتبط احزاب را انجام دهند، به‌وجود نیامده‌اند و اگر هم به‌وجود آمده‌اند نهادهای موقتی و گذرا و شخصیت‌محور بودند.

امر مرسوم بین محققین و پژوهشگران آن است که علت عدم پیدایش احزاب باثبات و پایدار در نظام سیاسی ایران را در عوامل تاریخی - ساختاری جست‌وجو می‌کنند. اکثر آنها پیشینه طولانی استبداد و مطلق‌بودن قدرت دولت، تضاد سنت و تجدد، ضعیف بودن جامعه مدنی، رانته بودن دولت، بدبینی به احزاب در ایران و ...



مجموعه عواملی می‌دانند که زمینه و بسترهای مناسب را برای ظهور احزاب پایدار و دائمی در ایران فراهم نکرده‌اند.

به‌طور مثال یکی از این دیدگاه‌ها، عامل ساختاری در ناپایداری احزاب را در این می‌داند که هر اندازه سنت‌های استبدادی و غیردمکراتیک در جامعه‌ای دیرپاتر باشد کار پایداری احزاب سیاسی در آن جامعه با مشکلات بیشتری مواجه خواهد شد، از این‌رو به‌خاطر پیشینه طولانی و تاریخی حاکمیت استبداد در ایران امر پایداری احزاب و کیفیت مشارکت سیاسی و اجتماعی در قالب‌های مردم‌سالاری همواره با مشکلات فراوانی مواجه بوده است.^(۶) دولت‌ها در ایران با این ذهنیت تاریخی خواهان قدرت متمرکز و مطلق بوده و هیچ کانون قدرت رقیب و مستقلی در مقابل خویش برنمی‌تابیدند^(۷) و رغبتی به شریک کردن نهادهای دیگر نظیر احزاب و نهادهای مدنی در قدرت نداشتند.^(۸)

دیدگاه دیگر عدم پیدایش احزاب را در تسلط‌یافتگی کامل دولت بر اقتصاد یا به‌عبارتی در رانته بودن دولت می‌جوید. از این نظر زمانی که دولت کنترل بخش اعظم ثروت موجود در جامعه به‌ویژه درآمدهای نفتی را در اختیار می‌گیرد، زمینه کنترل منابع قدرت سیاسی، فرهنگی و اجتماعی جامعه را نیز به‌دست می‌آورد.^(۹) در این صورت دولت خودش را بی‌نیاز از برنامه‌ریزی نهادهای غیرحکومتی به‌خصوص احزاب می‌داند و چندان اعتنایی به حضور آنها ندارد و همچنین استدلالاتی که بر ذهنیت منفی مردم ایران به عملکرد احزاب به جهت وابستگی‌شان به بیگانگان و ضعف جامعه مدنی ... شده است.

هرچند چنین عوامل تاریخی - ساختاری شرایط و زمینه‌های نامساعدی برای تکوین احزاب در ایران را فراهم کرده‌اند، اما تأکید تک‌بعدی و زیاد بر این عوامل



کلی‌گوی تاریخی - ساختاری نمی‌تواند ما را در فهم واقعی علل عدم ظهور احزاب پایدار و دائمی کمک کند حتی برخلاف این پژوهشگران، می‌توان ادعا کرد که در کنار عوامل تاریخی - ساختاری نامساعد، عوامل مساعدی برای ظهور و تکوین احزاب در ایران وجود دارد به‌ویژه آنکه بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در اثر رشد و توسعه اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و آموزشی زمینه‌ها و شرایط بسیار مساعدتری برای ظهور ساختار و نهادهای سیاسی همچون احزاب فراهم شده است.

در واقع باید گفت که توجه به عوامل ساختاری - تاریخی به سنت تحقیقی در ایران تبدیل شده است و توجه و تأکید زیاد به این عوامل که علل دور در پیدایش و تکوین احزاب هستند، موجب غفلت از عوامل فنی شده است که علل نزدیک در ظهور احزاب شخصیت‌محور، موقتی و ناپایدارند. ادعای این تحقیق آن است که عامل فنی یکی از مهم‌ترین عوامل پیدایش احزاب فصلی، موقتی و شخصیت‌محور در نظام جمهوری اسلامی ایران به‌ویژه بعد از سال ۱۳۶۸ بوده است.

نظام انتخاباتی در جمهوری اسلامی ایران

مقصود از عامل فنی همان نظام انتخاباتی یا فنون گزینش و شیوه‌های مختلف تعیین نمایندگان است. در واقع انتخابات فرایندی واجد قواعد به رسمیت شناخته شده و دارای تبعات، کارکردهای رسمی حقوقی و سیاسی است؛ فرایندی که طی آن تمام یا بخشی از آحاد جامعه، فرد یا افرادی را برای تصدی منصب یا مناصب برمی‌گزینند^(۱۰) و نظام انتخاباتی در اینجا همان قواعد به رسمیت شناخته شده است که بیانگر چگونگی تبدیل



آرای مردم به مناصب و پست‌های سیاسی است. از این رو آن را می‌توان شیوه یا ابزار ترجمان آرای شهروندان در هیئت کرسی‌های نمایندگی دانست. مجموعه‌ای از قواعد و کاربست‌ها که به موجب آن آرای شهروندان تعیین‌کننده گزینش یا انتخاب مقامات اجرایی و تقنینی به‌شمار می‌رود.^(۱۱)

براساس این تعریف دو شیوه یا دو مکانیسم در تبدیل آرای مردم به مناصب و پست‌های سیاسی در قانون اساسی کشورها می‌توان یافت یکی مکانیسم مستقیم و دیگری مکانیسم غیرمستقیم.^(۱۲) در واقع شهروندان و رأی‌دهندگان خواسته‌ها و نیت خود را در جهت تأمین و حفظ مصالح فردی و اجتماعی و منافع ملی از طریق آرای خود در قالب مکانیسم انتخابات به نمایش می‌گذارند. این مکانیسم می‌تواند در اشکال مستقیم یا غیرمستقیم باشد. هرگاه آرای رأی‌دهندگان به‌طور مستقیم به نام کاندیدا یا نامزدهای مورد نظر و معرفی شده برای احراز مناصب و پست‌های مربوطه صادر شود، مکانیسم مذکور، انتخابات مستقیم نام دارد. در صورتی که رأی‌دهندگان ابتدا به نمایندگان یا هیئتی از نمایندگان رأی دهند و پس از آن نمایندگان مذکور یا هیئت برگزیده شده توسط شهروندان از میان کاندیداها و نامزدهای معرفی شده عده‌ای را برای تصدی و احراز پست‌ها و مناصب مورد نظر انتخاب کنند در آن صورت «انتخابات غیرمستقیم» تلقی می‌شود.^(۱۳)

این دو مکانیسم مستقیم و غیرمستقیم به‌عنوان دو نظام انتخاباتی، دو شیوه متفاوت در تبدیل آرا به مناصب و پست‌های سیاسی را برعهده دارند. براساس این چگونگی فرایند تشکیل دولت، گزینش و نصب اعضای قوه مجریه و «ساختارهای



گزینش کارگزاران»^۱ در نظام سیاسی یک کشور، تابعی از نظام انتخاباتی آن است. اما بحث مهم و مورد تأکید در اینجا تبعات و پیامدهای حقوقی و سیاسی این دو نظام انتخاباتی است. در واقع برخی از نظام‌های انتخاباتی در فرایند تشکیل دولت و گزینش سیاست‌گذاران و مقام‌های اجرایی بلندپایه زمینه‌های مساعد برای ظهور احزاب پایدار و دائمی را فراهم می‌کند و برخی دیگر زمینه‌های مناسبی برای ظهور احزاب حکومتی ناپایدار و شخصیت‌محور. پس یکی از مهم‌ترین پیامدهای سیاسی و حقوقی نظام‌های انتخاباتی فراهم کردن بستر و شرایط مناسب یا نامناسب برای ظهور احزاب است.

درواقع برخی از کشورها قواعد و کاربست‌های انتخاباتی‌شان را در تبدیل آرای مردم به مناصب و پست‌های سیاسی به‌گونه‌ای طراحی کرده‌اند که وظیفه تشکیل دولت و انتخابات سیاست‌گذاران و مقام‌های اجرایی در اختیار گروه و هیئتی برگزیده از مردم است و نامزدهایی در اینجا می‌توانند دولت را تشکیل دهند که رأی و موافقت اکثریت آرای این هیئت برگزیده را به‌دست آورند و این موجب ظهور احزاب در این نظام انتخاباتی می‌شود، چراکه شرط کسب اکثریت آرای هیئت برگزیده برای تشکیل دولت، خود موجب پیدایش رقابت گروهی برای کسب اکثریت اعضای این هیئت برگزیده می‌شود و احزاب نیز چیزی جز گروه‌هایی که دارای اهداف و اصول مشترک بوده و از طریق مبارزه سیاسی و با ابزار انتخاباتی در صدد کسب قدرت هستند، نیستند. اما برخی قواعد و کاربست‌های انتخاباتی به‌گونه‌ای است که موجب ظهور رقابت گروهی برای کسب قدرت و در نتیجه پیدایش احزاب نمی‌شود چون مردم براساس این نظام انتخاباتی وظیفه تشکیل دولت را با رأی خود به‌طور مستقیم به یک



فرد واگذار می‌کنند پس حتی با نبود مشکلات و موانع ساختاری - تاریخی در راه شکل‌گیری احزاب نمی‌توان انتظار ظهور احزاب و رقابت گروهی را در این نظام انتخاباتی داشت.

براساس این چون مردم در مکانیسم اول (مکانیسم مستقیم) به‌صورت مستقیم یک نامزد را از میان نامزدهای مختلف گزینش و او را مسئول تشکیل دولت می‌کنند این به از بین رفتن زمینه برای رقابت گروهی و حزبی برای تشکیل دولت منجر می‌شود. زیرا قواعد انتخاباتی، تشکیل دولت را منوط به عبور از کانال موافقت گروهی و تصمیم دسته‌جمعی نمی‌کند. از این‌رو نامزدهای خواهان پیروزی در انتخابات و کسب قدرت نیز خودشان را ملزم به کسب موافقت و حمایت احزاب نخواهند کرد. از طرف دیگر در این نظام انتخاباتی ائتلاف گروه‌های همفکر بر روی نامزد واحد دشوار است چراکه هر یک از نامزدها و طرفدارانش احتمال جلب حمایت مردم و پیروزی در انتخابات را بدون جلب حمایت گروه‌ها و احزاب همفکر را می‌دهند. بدین ترتیب این نظام انتخاباتی با واگذاری انتخابات مستقیم سیاست‌گذاران و مقام‌های بلندپایه اجرایی به مردم، فرایند تشکیل دولت را از دست احزاب خارج می‌کند و آن را به افراد می‌سپارد و پیامد چنین نظام انتخاباتی از بین رفتن شرایط مساعد و مناسب برای ظهور احزاب پایدار است.

اما در مکانیسم دوم (مکانیسم غیرمستقیم)، فرایند تشکیل دولت و انتخاب مقام‌های بلندپایه اجرایی به‌واسطه است؛ یعنی نامزدی حق تشکیل دولت را دارد که موافقت اکثریت هیئت برگزیده شده توسط مردم را کسب کند و لازمه این، فعالیت دسته‌جمعی و گروهی برای کسب اکثریت هیئت برگزیده و تشکیل دولت است.



درواقع شرط کسب رأی اکثریت هیئت برگزیده برای تشکیل دولت همچون ساختاری عمل می‌کند که خود به خود موجب ظهور رقابت گروهی و حزبی به کسب قدرت می‌شود و به عبارتی با این شرط، نامزدهای کسب قدرت چه بخواهند و چه نخواهند مجبور به کسب قدرت از راه فعالیت دسته‌جمعی و حزبی هستند. بدین ترتیب این نوع از نظام انتخاباتی رقابت‌های فردی برای کسب قدرت و تشکیل دولت را تبدیل به رقابت گروهی به کسب قدرت می‌کند. از این رو زمینه را برای ظهور احزاب در این نظام سیاسی فراهم می‌کند. برای مثال درباره تأثیر مکانیسم دوم می‌توان به نظام انتخاباتی ایالات متحده آمریکا و انگلیس اشاره کرد که هر کدام با قواعد انتخاباتی خاص خودشان زمینه ظهور احزاب را در عرصه سیاسی فراهم کرده‌اند.

درباره نظام انتخاباتی آمریکا باید گفت که قانون اساسی این کشور به نحوی تدوین شده است که مبین عدم تمایل بنیان‌گذاران آمریکایی به ایفای نقش و نفوذ مستقیم عامه مردم در انتخابات رئیس‌جمهوری و خواهان یک دمکراسی با رقابت محدود بین دو حزب بوده است.^(۱۴)

قانون اساسی آمریکا تعیین نامزدهای ریاست جمهوری و انتخاب رئیس‌جمهوری را در صلاحیت گروه معدودی از برگزیدگان به نام هیئت‌های انتخاباتی^۲ قرار می‌دهد. هیئت‌های انتخاباتی در تعیین نامزدها و تأیید نهایی نامزد پیروز به‌عنوان رئیس‌جمهور نقش اصلی و نهایی را ایفا می‌کند، از این رو در این نظام انتخاباتی رئیس‌جمهور نه تنها باید آرای مردم را داشته باشد، بلکه از آن مهم‌تر باید آرای هیئت‌های انتخاباتی را کسب کند. بنابراین رئیس‌جمهور براساس اینکه ۲۷۰ رأی از



مجموع ۵۳۸ رأی هیئت‌های انتخاباتی را به دست می‌آورد به مقام ریاست جمهوری برگزیده می‌شود.^(۱۵)

از این رو شرط کسب ۲۷۰ رأی از ۵۳۸ آرای هیئت‌های انتخاباتی برای تشکیل دولت موجب تشکیل رقابت گروهی و حزبی برای کسب قدرت شده است و از طرف دیگر این شرط (کسب اکثریت آرای هیئت‌های انتخاباتی) مانعی بر سر ورود نامزدهای منفرد و احزاب کوچک در تشکیل دولت خواهد بود.

اما فرایند تشکیل دولت در نظام پارلمانی انگلستان به پیچیدگی سیستم انتخابات ریاست جمهوری آمریکا نیست. در نظام پارلمانی انگلستان به مانند همه نظام‌های پارلمانی طبعاً قوه مجریه به‌طور مستقیم انتخاب نمی‌شود. مردم در این نظام‌ها تنها نمایندگان خود را انتخاب می‌کنند و اگر یک حزب یا ائتلافی از احزاب اکثریت را به دست آورند رهبر آن به نخست‌وزیری می‌رسد و دولت را تشکیل می‌دهد.

بدین ترتیب ساختارهای گزینش کارگزاران در این دو کشور تحت تأثیر نظام انتخاباتی‌شان به گونه‌ای است که چه در شکل ریاستی‌اش یعنی ایالات متحده، این احزاب هستند که نامزدهای انتخاباتی را تعیین می‌کنند و رأی‌دهندگان از میان آنها دست به انتخاب می‌زنند و چه در شکل پارلمانی‌اش یعنی انگلیس، عالی‌ترین مقام اجرایی به‌صورت مستقیم توسط مردم انتخاب نمی‌شود، بلکه این احزابند که رهبران را انتخاب می‌کنند. بنابراین در این نوع نظام‌ها، تشکیل قوه مجریه بدون حضور احزاب متصور نیست. احزاب سیاسی به‌نحو فزاینده‌ای جانشین پارلمان‌ها و کابینه‌های دولت در امر سیاست‌گذاری می‌شوند.

اما در ایران براساس اصل ۱۱۴ قانون اساسی، رئیس‌جمهور با رأی مستقیم



انتخاب می‌شود. قانون اساسی با اتخاذ مکانیسم مستقیم، فرایند تشکیل دولت و انتخاب رئیس‌جمهور را به رأی مستقیم مردم سپرده است و همان‌طور که گفته شد یکی از پیامدهای مهم چنین مکانیسمی آن است که بستر و شرایط مساعد برای ظهور احزاب دائمی و پایدار فراهم نمی‌کند. در واقع قواعد انتخاباتی ایران در تبدیل آرای مردم به مناصب و پست‌های اجرایی به‌گونه‌ای طراحی شده است که نقشی را برای فعالیت‌های گروهی و حزبی در تشکیل دولت و گزینش اعضای قوه مجریه (البته به‌غیر از نظارت تأسیسی مجلس بر انتخاب وزرا) فراهم نمی‌کند و نامزدهای خواهان کسب قدرت و تشکیل دولت در ایران خود را ملزم به اخذ موافقت از گروه‌ها و جناح‌های همفکر نمی‌بینند چون حمایت برای تشکیل دولت را از مردم دریافت می‌کنند نه از آنها. پس در این نوع نظام انتخاباتی چندان جایگاهی را نمی‌توان برای احزاب مشخص کرد چون کارویژه و نقشی برای آنها در فرایند تشکیل دولت تعریف نشده است. در واقع علت ناکارآمدی احزاب در ایران به جهت ناتوانی در انجام مسئولیت و کار محوله به آنها نیست بلکه به خاطر نبود مسئولیت و کار محوله برای انجام است.



احزاب حکومتی^۳ در ایران

البته نوع خاصی از احزاب در این مکانیسم به‌وجود می‌آید، اما این احزاب از احزابی نیستند که پس از مبارزات انتخاباتی و کسب اکثریت آرای مردم و به دست گرفتن قدرت، دولت را تشکیل می‌دهند، بلکه احزابی‌اند که از بالا تشکیل می‌شوند؛ در واقع این احزاب سازنده و موجد دولت نیستند، بلکه دولت است که این احزاب را به‌وجود می‌آورد.

معمولاً این احزاب به‌دنبال روی کار آمدن دولت جدید به‌طور عمده تحت تأثیر رئیس‌جمهور یا از سوی مقامات دست‌اندرکار آن دولت یا جریان‌هایی که در به قدرت رسیدن دولت مذکور نقش داشته‌اند، ایجاد می‌شوند و هدفشان به‌طور عمده سازمان‌دهی نیروهای مربوط در راستای حمایت از رئیس‌جمهور و برنامه‌های وی است. عمر این احزاب بسیار کوتاه است و معمولاً با ظهور دولت ظاهر می‌شوند و با سقوط و خاتمه دوره قانونی آن، عمر آنان نیز خاتمه می‌یابد و ضرورت وجودی خود را از دست می‌دهند.^(۱۶)

اما عامل مهمی که به تشکیل این احزاب حکومتی در جمهوری اسلامی ایران توسط مقامات دست‌اندرکار دولت جدید یا جریان‌ها و گروه‌های وابسته به آنها ضرورت می‌بخشد، مجموعه ابزارها و اهرم‌هایی است که مجلس شورای اسلامی

۳. مقصود از احزاب حکومتی احزابی نیستند که در دولت‌های مطلقه به‌منظور تحکیم ساخت قدرت مطلقه ایجاد می‌شوند و ابزاری برای اعمال کنترل بر مجلس و حکومت و نیز برای اعمال سیاست‌ها و اصلاحات دولت مطلقه هستند و به‌نوعی انحصار فعالیت سیاسی را به‌عنوان نظام تک‌حزبی به خود اختصاص می‌دهند بلکه احزابی‌اند که در نظام‌های رقابتی همراه و بعد از انتخابات به‌وسیله حکومت یعنی قوه مجریه به‌وجود می‌آیند.



جهت کنترل و نظارت بر فعالیت و موجودیت دولت در اختیار دارد.

درواقع ابزارهایی چون نظارت تأسیسی مجلس بر دولت،^۴ مسئولیت قوه مجریه در برابر قوه مقننه،^۵ نظارت مالی بر فعالیت‌های دولت و مهم‌تر از همه قانون‌گذاری باعث تسلط و اقتدار قوه مقننه بر قوه مجریه شده است^(۱۷) و همین اقتدار مجلس موجب ظهور احزاب حکومتی می‌شود که به دنبال کسب کرسی‌های نمایندگی مجلس در جهت استفاده از ظرفیت این ابزارهای کنترلی و نظارتی و قانون‌گذاری در راستای حمایت از رئیس‌جمهور هستند.

درواقع این ابزارهای نظارتی و کنترلی و قانون‌گذاری از آنجا که اعمال‌شان نیازمند رأی اکثریتی نمایندگان مجلس شورای اسلامی است، نوعی فعالیت جمعی و گروهی را به وجود می‌آورد. از این رو مجلس در جمهوری اسلامی ایران بیش از دولت زمینه‌ساز ظهور جناح‌ها و احزاب است. اما از آنجا که این ابزارها، ابزارهایی نیستند که در تشکیل و تکوین دولت نقش داشته باشند و بیشتر ابزارهای کنترلی و نظارتی هستند، موجب شده است این جناح‌بندی‌های سیاسی در مجلس شورای اسلامی در جهت استفاده از این ابزارها و اهرم‌ها در قالب «ائتلاف‌ها» ظاهر شود و محور این ائتلاف‌ها نیز حمایت از رئیس‌جمهور یا عدم حمایت و مخالفت با وی باشد.

بعد از تغییر قانون اساسی در سال ۱۳۶۸ و حذف پست نخست‌وزیری که

۴. وقتی وزرا صلاحیت و رسمیت می‌یابند که مورد اعتماد اکثریت نمایندگان باشند.

۵. با ابزارهایی چون:

الف) احضار یک وزیر توسط یک نماینده برای پاسخ‌گویی،

ب) احضار رئیس‌جمهور توسط یک‌چهارم نمایندگان برای پاسخ‌گویی،

ج) استیضاح هیئت وزیران توسط ده نماینده و در صورت لازم عزل آنها،

د) استیضاح رئیس‌جمهور با یک‌سوم نمایندگان و در صورت لازم عزل وی.



مکانیسمی دو مرحله‌ای در فرایند تشکیل دولت بود، می‌توان به احزاب حکومتی اشاره کرد که در صدد کسب کرسی‌های نمایندگی مجلس شورای اسلامی و ایجاد ائتلافی در راستای حمایت از برنامه‌های رئیس‌جمهور بوده‌اند.

اولین حزب حکومتی حزب کارگزاران سازندگی است که در بهمن ۱۳۷۴ در آستانه انتخابات دوره پنجم مجلس شورای اسلامی با صدور یک بیانیه‌ای به امضای ۱۶ نفر از وزرا و معاونان رئیس‌جمهور و رئیس کل بانک مرکزی وقت اعلام موجودیت کرد. منشأ پیدایش این حزب از سوی دست‌اندرکاران دولت را باید در اختلاف پیش‌آمده کابینه دولت با اکثریت جناح راست سنتی در مجلس چهارم دانست. در واقع پس از انتخاب دوباره آقای هاشمی رفسنجانی به ریاست جمهوری در سال ۱۳۷۲، اختلافاتی بین اعضای سنت‌گرای جناح راست که اکثریت را در مجلس چهارم دارا بودند، با وزرای دولت به وجود آمد. البته این اختلافات در دولت قبلی آقای هاشمی رفسنجانی نیز بود. این اختلافات سبب شد که برخی از اعضای دولت که به شدت از اقتصاد آزاد حمایت می‌کردند، با مشکلاتی نظیر استیضاح و عدم رأی اعتماد از مجلس روبه‌رو شوند. استیضاح دکتر ایرج فاضل وزیر بهداشت و درمان، رأی عدم اعتماد به وی، رأی عدم اعتماد به دکتر نوربخش وزیر اقتصاد و دارایی، انتقاد فزاینده از غلامحسین کرباسچی شهردار وقت تهران و استیضاح وزیر کشور، حجت‌الاسلام عبدالله نوری و وزرای جهاد سازندگی و راه و ترابری و تشکیل هیئت تحقیق و تفحص از صدا و سیما از آن جمله هستند.^(۱۸) بالاخره اختلافاتی که بین دولت و جامعه روحانیت مبارز بر سر ارائه لیست کاندیداهای واحد در حوزه انتخاباتی تهران بروز کرد، باعث شد با ارائه لیست جداگانه‌ای با صدور بیانیه‌ای مبنی بر اینکه



حمایت از هاشمی حمایت از روند سازندگی است، حمایت از هاشمی حمایت از گسترش عدالت اجتماعی و رفاه عمومی است، حمایت از هاشمی حمایت از امام است، ... وارد مبارزات انتخاباتی مجلس پنجم شوند و گروه کارگزاران سازندگی با مجمع روحانیون و ائتلاف گروه‌های خط امام با تقویت پیوندهای پارلمانی خود در قالب مجمع حزب‌الله مجلس دور هم جمع شدند و علیه جامعه روحانیت که حائز اکثریت مجلس بود، اعلام مواضع کردند.^(۱۹)

اما احزاب حکومتی بعدی، احزابی هستند که با پیروزی حجت‌الاسلام خاتمی در انتخابات ریاست جمهوری دوم خرداد ۱۳۷۶ از دل آن ظاهر شدند که حزب مشارکت اسلامی، حزب همبستگی و حزب مردم‌سالاری از جمله آن احزاب هستند.

حزب مشارکت اسلامی در تاریخ ۲۷ دی ماه ۱۳۷۷ پا به عرصه سیاست گذاشت. این حزب، متشکل از نیروهایی بود که در دوم خرداد از نامزدی حجت‌الاسلام سیدمحمد خاتمی برای ریاست جمهوری حمایت کرده بودند و جزء ستاد انتخاباتی وی بوده و بعد از پیروزی خاتمی برخی از اعضای برجسته آن وارد کابینه خاتمی شدند. این حزب شعار محوری رئیس‌جمهور منتخب را به‌عنوان محور برنامه‌های خود قرار داد و با شعار همه ایرانیان «معنویت، عدالت، آزادی» توانست به همراه دیگر احزاب دوم خردادی اکثریت کرسی‌های مجلس را به خود اختصاص دهند.

حزب همبستگی نیز به‌عنوان احزاب دوم خردادی به فاصله چند روز از دوم خرداد تشکیل شد و محور اصلی فعالیت خود را دفاع از دستاوردهای دوم خرداد و حمایت از برنامه‌های رئیس‌جمهور قرار دادند و حزب مردم‌سالاری نیز به گفته دبیرکل آن، از فعالان ستاد انتخاباتی آقای خاتمی، برای انسجام دست‌اندرکاران ستاد

انتخاباتی تشکیل شد.

احزاب حکومتی دیگر احزابی بودند که با انتخاب آقای دکتر احمدی‌نژاد به ریاست جمهوری وارد عرصه سیاست شدند که به ائتلاف آبادگران می‌توان اشاره کرد. این حزب نیز به همراه ائتلاف اصولگرایان در جهت حمایت از برنامه‌های رئیس‌جمهوری، اکثریت کرسی‌های مجلس هشتم را به‌دست آوردند.

بنابراین همراه با انتخاب رئیس‌جمهور در ایران احزاب جدیدی پا به عرصه سیاست می‌گذارند و این احزاب نیستند که دولت را به‌وجود می‌آورند، بلکه احزاب همراه با دولت زاده می‌شوند و در جهت حمایت آن در صدد کسب کرسی‌های نمایندگی مجلس برمی‌آیند و با کنار رفتن دولت تأثیرگذاری خود را از دست می‌دهند و دلیل این امر هم در نظام انتخاباتی نهفته است که مردم با رأی خودشان وظیفه تشکیل دولت را به‌طور مستقیم به یک فرد واگذار می‌کنند و از این‌رو نقش و جایگاهی برای احزاب و گروه‌ها در تشکیل دولت تعریف نشده است و این گروه‌ها هستند که در نتیجه مکانیسم مستقیم با فرد همراه می‌شوند نه فرد با گروه.

البته می‌توان با فراهم کردن سازوکارهای خاصی در مکانیسم مستقیم زمینه‌ها و شرایط مساعدتری برای ظهور احزاب پایدار فراهم کرد. در واقع با ایجاد این سازوکارها می‌توان انتظار داشت که مکانیسم مستقیم امتیازات مکانیسم غیرمستقیم برای ظهور احزاب را داشته باشد.



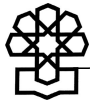


سازوکارهای لازم برای ظهور و تداوم احزاب کارآمد

اولین سازوکار لازم برای فراهم کردن شرایط مساعدتر برای ظهور احزاب آن است که بین نامزدهای انتخابات ریاست جمهوری که حمایت احزاب (مقصود احزابی است که مجوز کمیسیون ماده (۱۰) احزاب را کسب کرده باشند) دارند و به نوعی معرفی شده و نامزد شده از سوی آنهاست و کسانی که مستقلاً و منفرداً اقدام به نامزدی ریاست جمهوری کردند، تفاوت گذاشت. در واقع با ارائه امتیازها و فرصت‌های مناسب و قابل توجه و البته قانونی به نامزدهای احزاب به نوعی زمینه بهتری برای پیروزی آنها در انتخابات ریاست جمهوری فراهم شود. از طرف دیگر با عدم ارائه این امتیازات به نامزدهای منفرد شرایط برای آنها در پیروزی انتخاب سخت و دشوار گردد. البته ظرفیت و قابلیت این امتیازات باید به گونه‌ای باشد که نامزدهای خواهان پیروزی در انتخابات عدم حمایت احزاب را برابر با عدم پیروزی در انتخابات بدانند. از این رو مجبور به کسب حمایت احزاب باشند و خود را ملزم به عبور از کانال موافقت گروهی کنند.

یکی از مهم‌ترین ابزارهایی که می‌تواند فرصت بسیار مساعدی برای پیروزی نامزدهای معرفی شده احزاب فراهم کند، ابزارهای تبلیغاتی است. در واقع تفاوت بین نامزدهای معرفی شده از سوی احزاب و نامزدهای مستقل در استفاده انحصاری از امکانات تبلیغات دولتی مشخص می‌گردد. استفاده از امکانات و ابزارهایی که به نوعی تأثیرگذار در تبلیغات هستند عبارتند از:

۱. شبکه‌های سراسری و استانی صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران،



۲. اماکن عمومی (دانشگاه‌ها، مدارس، ورزشگاه‌ها، مصالای نماز جمعه، ...)،

۳. بیلبوردها و پوستره‌های تبلیغاتی خاص.

از میان ابزارهای مذکور به نظر می‌رسد رسانه ملی به جهت تأثیرگذاری بالای آن بر افکار عمومی، مهم‌ترین ابزار باشد. این ابزار به جهت همگانی و سراسری بودن آن و اعتماد مردم به آن ابزاری تأثیرگذار در تبلیغات انتخابات ریاست جمهوری است. رسانه ملی از دو جهت می‌تواند زمینه‌ساز توجه مردم به نامزدهای معرفی شده از سوی احزاب باشد:

۱. بیان اهمیت احزاب به جهت کارکردهای مهم آنها در کارآمدی و سلامت نظام سیاسی،

۲. حق انحصاری احزاب در استفاده از رسانه ملی در تبلیغ کاندیداهای خود.

رسانه ملی زمانی می‌تواند به عنوان ابزار مهم در انتخابات ریاست جمهوری تبدیل شود که اولاً وظیفه آموزشی خود را در بیان اهمیت احزاب در کارآمدی نظام سیاسی به خوبی انجام دهد و مردم را از چیستی و چگونگی کارکرد و امتیازات و مزایای آن آگاه کند.

دوم آنکه نقش رسانه ملی به عنوان ابزاری برای معرفی کاندیداهای ریاست جمهوری نسبت به وضع موجود گسترده شده و شرایط مساعدتری برای تبلیغات کاندیداهای ریاست جمهوری فراهم کند.

مورد دوم و سوم نیز به عنوان امکانات و ابزار تبلیغاتی در انحصار نامزدهای احزاب قرار خواهد گرفت. اما غیر از ابزار تبلیغاتی، ابزار مالی نیز می‌تواند اهم مناسبی در ترغیب نامزدهای ریاست جمهوری در جلب حمایت احزاب باشد. از آنجا

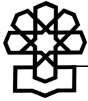


که هزینه تبلیغات به جهت گستردگی مکانی آن سرسام‌آور است. دولت می‌تواند با ارائه کمک به نامزدهای احزاب بخشی از این هزینه‌ها را تأمین کرده و در نتیجه انگیزه زیادی میان نامزدها در جلب موافقت احزاب ایجاد کند.

اما ایراد مهمی که بر این سازوکار پیشنهادی وارد است این است که این احزاب مشروعیت استفاده از امتیازهای تبلیغاتی و مالی برای نامزدهای خود را از کجا می‌گیرند؟ به عبارت دیگر چرا مشروعیت عمل این احزاب در استفاده انحصاری از ابزارهای تبلیغاتی باید برابر مشروعیت عمل گروه‌های واسطه (یا همان احزاب) در مکانیسم غیرمستقیم باشد؟ در واقع حق استفاده از این امتیازات از سوی احزاب دارای مجوز کمیسیون ماده (۱۰) را چگونه می‌توان توجیه کرد و چه ملاک و معیاری مبنی بر نمایندگی و واسطگی آنها از سوی مردم است؟ چون ساده‌ترین و مهم‌ترین تعریف در مورد حزب آن است که حزب نهادی واسطه بین مردم و دولت است.

در مکانیسم غیرمستقیم گروه واسطه که به شکل احزاب تجلی می‌یابند، برگزیده مردم بودند و برگزیدگی و انتخاب از سوی مردم به آنها حق تشکیل دولت و انتخاب یک نامزد از میان نامزدهای گوناگون را می‌داد. پس وجود گروه واسطه‌ای که موجب پیدایش احزاب در مکانیسم غیرمستقیم می‌شد، با رأی و نظر مردم منافاتی نداشت و به عبارتی ماهیت مردم‌سالاری آن حفظ شد، اما احزاب دارای مجوز کمیسیون ماده (۱۰) ماهیت مردم‌سالاری و حق استفاده از امتیازات تبلیغاتی و مالی را از کجا اخذ می‌کنند؟

فصل اول آیین‌نامه اجرایی فعالیت احزاب که ناظر به چگونگی تأسیس احزاب سیاسی است، معیار و شاخصی را مبنی بر نمایندگی و واسطگی از سوی مردم به‌عنوان شرط تأسیس حزب را بیان نمی‌کند. براساس ماده (۲) آیین‌نامه



تأسیس‌کنندگان اشخاص حقیقی هستند که دارای این شرایط باشند:

الف) نداشتن سوابق سوء مندرج در ماده (۷) قانون احزاب،

ب) داشتن حداقل ۲۵ سال تمام،

ج) التزام به قانون اساسی جمهوری اسلامی،

د) تابعیت ایران،

ه) نداشتن سوء پیشینه کیفری و عدم محرومیت از حقوق اجتماعی.

و در تبصره «۲»، ماده (۳) به مرامنامه احزاب و در تبصره «۳» به چگونگی تشکیلات و اساسنامه آنها پرداخته است. اما ماده‌ای که دلالت بر معیار نمایندگی و واسطگی از سوی مردم باشد، دیده نمی‌شود. از این رو لازم است معیار و شاخصی مبنی بر نمایندگی و برگزیدگی آنها از سوی مردم ارائه شود تا آنها حق استفاده از امتیازات ویژه برای تبلیغات نامزدهای خود در انتخابات ریاست‌جمهوری دانسته باشند.

همان‌طور که قبلاً گفته شد مجلس شورای اسلامی بیش از دولت عرصه حضور و نمود جناح‌ها و ائتلاف‌های سیاسی در جمهوری اسلامی است که به‌نوعی عملکرد احزاب سیاسی را انجام می‌دهند. از این رو مجلس شورای اسلامی به‌عنوان عرصه‌ای برای فعالیت گروهی بیش از همه جا بیانگر نقش واسطگی و نمایندگی احزاب سیاسی از سوی مردم است. در واقع میزان حضور در مجلس و کسب کرسی‌های نمایندگی مجلس از سوی احزاب بیانگر میزان برگزیدگی و نمایندگی آنها از سوی مردم است. بنابراین احزابی می‌توانند از امتیازات معرفی نامزدهای خود و حمایت مالی برخوردار شوند که غیر از مجوز کمیسیون ماده (۱۰)، معیار واسطگی نمایندگی از مردم را داشته باشند یعنی توانایی داشته باشند در یک گستره زمانی میزانی از کرسی‌های

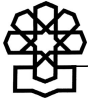


نماینده‌گی مجلس را کسب کنند. در واقع با کسب این معیار واسطگی و نمایندگی از سوی مردم شایستگی نام احزاب سیاسی را پیدا می‌کنند و بعد از آن حق استفاده از امتیازات تبلیغاتی در معرفی نامزدهای خود برای انتخابات ریاست جمهوری و کمک‌های مالی را خواهند داشت.

البته باید توجه داشت تنها کسب کرسی‌های نماینده‌گی مجلس شورای اسلامی معیار مناسبی به‌عنوان واسطگی و نمایندگی از سوی مردم و در نتیجه حق استفاده از امتیازات معرفی نامزدها نخواهد بود. در واقع یکی از ملاک‌ها و معیارهای احزاب قوی میزان تعدد احزاب در یک کشور است. هرچه تعداد احزاب بیشتر باشد میزان شکنندگی و ناتوانی آنها در انجام کارکردهای آن زیاد است. اما در کشورهایی که تعداد احزاب کم بوده احتمالاً میزان نهادینگی آنها بالاست و توان زیادی در انجام وظایف و کارکردهای خود در راستای منافع ملی دارند.

از این‌رو به غیر از شرط کسب کرسی‌های نماینده‌گی، میزان کسب کرسی‌های نماینده‌گی معیار مهمی در ایجاد احزاب قوی و پایدار است. هرچه میزان کسب کرسی‌های نماینده‌گی پایین باشد، از آنجا که گروه‌های زیادی توانایی کسب آن میزان پایین را دارند، پس با تعدد و کثرت احزاب و انشعاب میان گروه‌های همفکر و در نتیجه با تعدد و کثرت نامزدهای معرفی شده برای ریاست جمهوری روبه‌رو هستیم، اما هرچه میزان کسب کرسی‌های نماینده‌گی بالا باشد چون همه گروه‌ها توانایی کسب آن میزان بالا را ندارند، منجر به ظهور احزاب یکپارچه، قوی و پایدار می‌شود.

به‌نظر می‌رسد کسب ۴۰ تا ۵۰ درصد کرسی‌های نماینده‌گی در یک دوره نمایندگی از سوی احزاب دارای مجوز از کمیسیون ماده (۱۰) احزاب، معیار مناسبی برای



اعطای شایستگی به آنها در واسطگی و نمایندگی از سوی مردم و حق استفاده از امتیازات در معرفی نامزدهای ریاست جمهوری باشد.

البته همچنین باید توجه داشت کسب ۴۰ تا ۵۰ درصد تنها در یک دوره نمایندگی نمی‌تواند معیار مناسبی بر واسطگی و نمایندگی آنها از سوی مردم تلقی گردد. باید کسب این میزان کرسی نمایندگی قابل تکرار باشد تا بیانگر تداوم نمایندگی آنها از سوی مردم تلقی شود و از سوی این شرط به یکپارچگی احزاب در تداوم زمانی کمک کند و مانع فروپاشی و انشعاب میان جناح‌های درون یک حزب قوی شود.

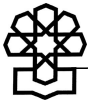
به‌نظر می‌رسد کسب ۴۰ تا ۵۰ درصد کرسی‌های نماینده‌گی بعد از فاصله سه دوره نمایندگی در عدم کسب، معیار مناسبی بر تداوم واسطگی و نمایندگی از مردم و استفاده از امتیازات در معرفی نامزدها و حمایت‌های مالی باشد. در واقع احزاب باید بتوانند کمتر از سه دوره نمایندگی (یعنی دوره چهارم) شایستگی خود را در تداوم واسطگی از مردم را اثبات کنند.

با توجه به تجربه انتخابات مجلس شورای اسلامی در دوره‌های گذشته به‌نظر می‌رسد فقط دو جریان اصلی کشور توانایی کسب ۵۰ درصد کرسی‌های نماینده‌گی مجلس در یک دوره و تکرار آن خواهند داشت. بدین ترتیب با انتقال شرط موافقت احزاب در تشکیل دولت از پس انتخابات به قبل از انتخابات و تعیین سقف ۴۰ تا ۵۰ درصد و به‌عنوان شرط استفاده از امتیازات معرفی نامزدهای ریاست جمهوری زمینه برای پیدایش احزاب قوی فراهم می‌گردد.



احزاب در نظام سیاسی وقتی شکل می‌گیرند که نقشی برای آنها در تشکیل دولت فراهم شود. این زمانی امکان دارد که رقابت گروهی و فعالیت دسته‌جمعی، لازمه کسب قدرت و تشکیل دولت باشد و این در مکانیسم مستقیم امکان تحقق ندارد، چراکه قواعد انتخاباتی تشکیل دولت را مستقیم به توده مردم واگذار کرده است و آنها نیز این حق را به هر نامزدی که موافقت‌شان را در انتخابات جلب کند، اعطا می‌کنند و چون نامزد انتخاب شده این حق را به‌طور مستقیم از مردم دریافت می‌کند، پس این فرد است که گروهی همفکر را به‌عنوان کارگزاران سیاسی در مسیر همراهی و اجرای سیاست‌های خود به‌وجود می‌آورد. اما زمانی که شرط تشکیل دولت کسب موافقت اکثریت هیئت برگزیده از سوی مردم باشد، پس این اکثریت هیئت برگزیده هستند که فردی را مأمور تشکیل دولت می‌کنند، از این رو نامزدهای خواهان کسب قدرت مجبور به فعالیت گروهی و حزبی برای کسب اکثریت اعضای هیئت برگزیده برای تشکیل دولت می‌شوند. درواقع شرط کسب موافقت آرای اکثریت و هیئت برگزیده، همچون ساختاری عمل می‌کند که خودبه‌خود موجب ظهور احزاب در مبارزات انتخاباتی می‌شود.

بنابراین ظهور احزاب ناپایدار، فصلی و شخصیت‌محور در ایران را نباید فقط در علل ساختاری - تاریخی جست؛ چون همان‌گونه که برخی عوامل ساختاری - تاریخی زمینه‌ها و شرایط نامساعدی را برای ظهور احزاب فراهم می‌کنند، عوامل ساختاری - تاریخی دیگری زمینه‌ها و شرایط مساعدی را برای ظهور احزاب ایجاد می‌کنند. بنابراین تحقیق نظام انتخاباتی ایران به‌عنوان عامل فنی یکی از مهم‌ترین عوامل پیدایش احزاب فصلی،



موقتی و شخصیت‌محور در نظام جمهوری اسلامی ایران است. از این رو لازم است با انجام سازوکارهایی همچون در اختیار قرار دادن ابزارهای تبلیغاتی و کمک‌های مالی به نامزدهای احزاب در انتخابات ریاست جمهوری زمینه‌ها و شرایط مساعدتری برای ظهور احزاب پایدار فراهم کرد. درواقع با ایجاد این سازوکارها می‌توان انتظار داشت که مکانیسم مستقیم امتیازات غیرمستقیم برای ظهور احزاب را داشته باشد.

پی‌نوشت‌ها

۱. آلموند، گابریل و دیگران. چارچوبی نظری برای بررسی سیاست تطبیقی، ترجمه علیرضا طیب، تهران، مرکز آموزش مدیریت دولتی، ۱۳۷۷، ص ۵-۶.
۲. نقیب‌زاده، احمد. درآمدی بر جامعه‌شناسی سیاسی، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، ۱۳۸۴، ص ۲۰۳.
۳. بدیع، برتران. توسعه سیاسی، احمد نقیب‌زاده، تهران، نشر قومس، ص ۵۵.
۴. بشیریه، حسین و. آموزش دانش سیاسی: مبانی علم سیاست نظری و تأسیسی، تهران، مؤسسه نگاه معاصر، ۱۳۸۲، ص ۳۵۳.
۵. تبریزنیا، حسین و علل ناپایداری احزاب سیاسی در ایران، تهران، مرکز نشر بین‌الملل، ۱۳۷۱، ص ۱۹۸-۱۹۹.
۶. اخوان کاظمی، بهرام، ماهنامه زمانه، شماره ۶، ص ۱.
۷. وحیدیان، امیر. تقویت جایگاه احزاب در جمهوری اسلامی ایران: موانع و راهکارها، مرکز پژوهش‌های مجلس، دفتر مطالعات سیاسی، ۱۳۸۶، ص ۵.
۸. میرترابی، سعید. مسائل نفت ایران، تهران، نشر قومس، ۱۳۸۴، ص ۱۱۷.
۹. نوزری، حسینعلی و. احزاب سیاسی و نظام‌های حزبی، گستره، ۱۳۸۱، ص ۱۲۰.
۱۰. همان، ص ۱۲۲.



Legislatures, Fitzroy Bear Born Publishers, Chichago, 1998.

۱۲. نوذری، حسینعلی، ص ۱۲۱.
۱۳. داد درویش، رضا. کتاب آمریکا (۵)، ویژه نظام انتخاباتی، تهران، مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار، معاصر، ۱۳۸۳، ص ۷.
۱۴. همان، ص ۸.
۱۵. نوذری، همان، ص ۲۸.
۱۶. هاشمی، محمد. حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، تهران، نشر دادگستر، ۱۳۸۰، ص ۱۳.
۱۷. شادلو، عباس. اطلاعاتی درباره احزاب و جناح‌های سیاسی ایران امروز، تهران، ۱۳۸۵، ص ۱۶۶-۱۶۸.
۱۸. نوذری، ۲۷۹.
۱۹. یعقوبی، عبدالهاشم. مجموعه قوانین و مقررات سیاسی، تهران، خط سوم، ۱۳۷۷، ص ۷۲.



شناسنامه گزارش

شماره مسلسل: ۹۴۲۳

عنوان گزارش: نظام انتخاباتی و احزاب حکومتی در ایران

Report Title: Electoral System and Governmental Parties in Iran

نام دفتر: مطالعات سیاسی (گروه سیاست داخلی)

تهیه و تدوین: محمدرضا شمس

ناظر علمی: ابوزر گوهری مقدم

متقاضی: معاونت پژوهشی

ویراستار: —

واژه‌های کلیدی و معادل انگلیسی آنها:

۱. نظام انتخاباتی (Electoral System)

۲. انتخابات مستقیم (Governmental Parties)

۳. انتخابات غیرمستقیم (Direct Election)

۴. احزاب حکومتی (Indirect Election)

تاریخ انتشار: ۱۳۸۷/۱۰/۲۱